



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیک جوامع و تاثیرات آن بر پدیده بزهکاری

استاد راهنما:

دکتر محمد صالح ولیدی

استاد مشاور:

دکتر محمد اسماعیل افراسیابی

نگارش:

اسماعیل اسماعیل پور

زمستان ۱۳۹۰

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۲	بیان مسئله تحقیق
۳	اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن
۴	اهداف تحقیق
۴	سئوالات و فرضیات تحقیق
۵	روش تحقیق و گردآوری اطلاعات
۶	سازماندهی تحقیق
۸	بخش اول - مبانی نظری تحقیق
۸	فصل اول - تعریف و توضیح اصطلاحات
۸	مبحث اول - اصطلاحات مربوط به پیشرفت و توسعه
۸	گفتار اول - پیشرفت و توسعه
۱۴	گفتار دوم - پیشرفت و توسعه ی صنعتی
۲۰	گفتار سوم - تکنولوژی
۲۳	مبحث دوم - مفاهیم مربوط به بزهکاری
۲۳	گفتار اول - بزهکاری از دیدگاه حقوق کیفری
۲۶	گفتار دوم - بزهکاری از دیدگاه جرم شناختی
۲۷	بند اول - نسبی بودن مفهوم بزهکاری
۲۹	بند دوم - عوامل محرک و عوامل مانع در مقابل بزهکاری
۲۹	بند سوم - انواع بزهکاری
۳۲	گفتار سوم - بزهکاری از دیدگاه جامعه شناختی
۳۳	بند اول - پدیده ی اجتماعی جرم
۳۴	بند دوم - تئوری هایی در خصوص علل اجتماعی انحراف و بزهکاری
۳۶	بند سوم - نظریه کارکرد گرایی
۳۷	بند چهارم - نظریه کارکردی مرتن
۳۹	گفتار چهارم - بزهکاری از دیدگاه روان شناختی
۴۰	بند اول - نظریه شخصیت آیزنک
۴۴	بند دوم - بزهکاری از تبعات روان ناسالم و رنجور
۴۶	فصل دوم - تبیین ارتباط مفاهیم
۴۶	مبحث اول - تأملی در باب وجود شناسی پدیده ی پیشرفت
۴۶	گفتار اول - پیشرفت تکنولوژی به مثابه وسیله صرف و بدون جهت در کارکرد
۵۰	گفتار دوم - آیا تکنولوژی پدیده ای خنثی است یا دارای گرایش مثبت و منفی
۵۸	مبحث دوم - انسان در جامعه پیشرفته
۵۸	گفتار اول - نفوذ پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیک در زندگی انسان امروزی

۶۳ گفتار دوم - جوامع پیشرفته ، مولد جرائم پیشرفته
۶۶ بند اول - جرائم اینترنتی
۷۲ بخش دوم - پیشرفت های صنعتی جوامع و آثار آن بر افزایش میزان بزهکاری
۷۲ فصل اول - اثرات مستقیم در زایش بزهکاری
۷۲ مبحث اول - دگرگونی در آلات و تجهیزات ارتکاب جرائم
۷۲ گفتار اول - تجهیزات ابزاری و تولید انواع اسلحه
۷۴ بند اول - تقسیم بندی انواع سلاح ها
۷۹ گفتار دوم - تولید انواع و اقسام مواد مخدر جدید و تبعات آن
۸۰ بند اول - هروئین
۸۱ بند دوم - ال.اس.دی.
۸۲ بند سوم - اکستازی
۸۳ بند چهارم - مت آمفتامین
۸۴ بند پنجم - کراک
۸۵ بند ششم - رابطه اعتیاد و جرائم
۹۰ مبحث دوم - شکل گیری گروه های جدید بزهکاری در ساخت جوامع مدرن
۹۰ گفتار اول - گروه های بزهکاری اطفال ، نوجوانان و جوانان
۹۰ بند اول - علل بزهکاری گروهی جوانان
۹۴ بند دوم - علل اجتماعی بزهکاری جوانان
۹۷ بند سوم - جرائم ارتكابی توسط گروه های بزهکاری اطفال و نوجوانان
۱۰۰ گفتار دوم - گروه های بزهکاری سازمان یافته بین المللی (فراملی)
۱۰۰ بند اول - جرائم سازمان یافته
۱۰۱ بند دوم - ارتباط پیشرفت های صنعتی با مسئله گروه های بزهکاری سازمان یافته بین المللی
۱۰۳ بند سوم - شاخص ترین باند تبهکاری سازمان یافته در دنیا
۱۰۵ بند چهارم - فعالیت های مجرمانه سازمان های بزهکار
۱۱۰ فصل دوم - اثرات غیرمستقیم در زایش بزهکاری
۱۱۰ مبحث اول - تأثیرات فردی
۱۱۰ گفتار اول - انفعال انسان ها در برابر تکنولوژی و گرایش به بزهکاری
۱۱۰ بند اول - تأثیرات تکنولوژی بر افراد جامعه و واکنش های آن
۱۱۳ بند دوم - شیوع خشونت در جوامع امروزی
۱۱۵ بند سوم - تأثیرات رسانه ها بر پرخاشگری و خشونت
۱۱۷ بند چهارم - فشارهای عصبی و روانی
۱۲۰ گفتار دوم - تنزل اخلاق ، متأثر از تکنیک زدگی
۱۲۰ بند اول - تحول نگرش انسان به زندگی در پی تغییرات در سطح زندگی
۱۲۲ بند دوم - نسبی شدن و تنزل اخلاق در جوامع مدرن
۱۲۴ بند سوم - انتقال الگوهای رفتاری از جوامع پیشرفته به جوامع دیگر
۱۲۶ مبحث دوم - تأثیرات اجتماعی

- گفتار اول - توسعه شهری ، مهاجرت به مراکز صنعتی و شیوع پدیده حاشیه نشینی ۱۲۶
- بند اول - محیط شهری و اقتضانات خاص آن ۱۲۶
- بند دوم - فضای حومه ی شهری و حاشیه نشینی ۱۲۹
- بند سوم - شهرنشینی، حاشیه نشینی و بزهکاری ۱۳۰
- گفتار دوم - به وجود آمدن نیازهای مصنوعی و زائد برای افراد جامعه ۱۳۴
- بند اول - نیازهایی تصنعی که از پس تولیدات جدید پیدا می شوند ۱۳۴
- بند دوم - استراتژی مصرف ۱۳۵
- بند سوم - ارتباط پدیده مصرف گرایی زائد با بروز بزهکاری ۱۳۸
- بخش سوم - پیشرفت های صنعتی جوامع و آثار آن بر کنترل و کاهش میزان بزهکاری ۱۴۰**
- فصل اول - اثرات مستقیم در مقابله با بزهکاری ۱۴۰**
- مبحث اول - تحول در کار سازمان های مجری عدالت کیفری ۱۴۰**
- گفتار اول - پلیس و ضابطین قضائی ۱۴۰
- بند اول - سلاح های جدید با کارایی های مختلف در موقعیت های مختلف ۱۴۰
- بند دوم - سیستم های مخابراتی پیشرفته و مکان یابی ماهواره ای GPS ۱۴۲
- بند سوم - پلیس و استفاده از بانک های اطلاعاتی ۱۴۴
- بند چهارم - مرکز فوریت های پلیسی (پلیس ۱۱۰) ۱۴۶
- گفتار دوم - استفاده از دستاوردهای تکنولوژیک در دادسرا و دادگاه ها ۱۴۸
- بند اول - دستیابی به سوابق کیفری متهم ۱۴۸
- بند دوم - استفاده از وسیله ی دروغ سنج در فرآیند تحقیق از متهم ۱۴۸
- بند سوم - استفاده از ادله ی صوتی ، تصویری و الکترونیک ۱۴۹
- بند چهارم - استفاده از تجهیزات پیشرفته تکنولوژیک در دادگاه ها ۱۵۱
- گفتار سوم - بهره گیری از تکنولوژی های نوین در مرحله ی اجرای حکم و سازمان زندان ها ۱۵۲
- بند اول - ارتقاء سیستم های امنیتی و نظارتی در زندان ها ۱۵۳
- بند دوم - انواع جدیدی از حبس و نظارت در فضایی غیر از فضای زندان ۱۵۴
- بند سوم - راهکارهایی برای بهبود کار سازمان زندان ها ۱۵۷
- مبحث دوم - به کارگیری پیشرفت های علمی و تکنولوژیک در مواجهه با جرائم ۱۵۹**
- گفتار اول - بهره گیری های نظری از یافته های علمی رشته های مختلف ۱۵۹
- بند اول - جرم شناسی ۱۵۹
- بند دوم - جامعه شناسی ۱۶۰
- بند سوم - روان شناسی ۱۶۱
- بند چهارم - تخصص های علمی که مراجع قضائی از آنها استفاده می نمایند ۱۶۳
- گفتار دوم - استفاده عملی از تجهیزات نوین تکنولوژیک ۱۶۴
- بند اول - سازمان پزشکی قانونی و نقش آن در سیر فرآیندهای کیفری ۱۶۴
- بند دوم - نگاهی به علم قانونی ۱۶۶
- بند سوم - تخصص هایی که در تعیین هویت افراد کاربرد دارند ۱۶۹
- فصل دوم - اثرات غیرمستقیم در مقابله با بزهکاری ۱۷۳**

۱۷۳	مبحث اول - ارتقاء سطح زندگی و خنثی شدن نسبی محرک های بزهکاری
۱۷۳	گفتار اول - بالا رفتن سطح امکانات عمومی
۱۷۴	بند اول - بالا رفتن استانداردهای کیفیت زندگی برای شهروندان
۱۷۷	بند دوم - تأمین اجتماعی
۱۷۹	گفتار دوم - بالا رفتن سطح رفاه و ارتقاء آگاهی و فرهنگ عمومی
۱۷۹	بند اول - توزیع رفاه در سطح جامعه
۱۸۱	بند دوم - افزایش آگاهی و فرهنگ عمومی
۱۸۴	مبحث دوم - تسهیل در زمینه های اجرایی تدابیر پیشگیرانه
۱۸۴	گفتار اول - پیشگیری های اجتماعی ، رشد مدار یا زودرس
۱۸۴	بند اول - پیشگیری اولیه
۱۸۶	بند دوم - پیشگیری ثانویه
۱۸۷	بند سوم - پیشگیری ثالث
۱۸۹	گفتار دوم - پیشگیری های وضعی و موقعیت مدار
۱۹۱	بند اول - نظریه فرصت ها
۱۹۲	بند دوم - استفاده از تکنولوژی در اجرای تدابیر پیشگیرانه موقعیت مدار
۱۹۶	نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۹۶	نتیجه گیری بخش اول
۱۹۷	نتیجه گیری بخش دوم
۲۰۰	نتیجه گیری بخش سوم
۲۰۲	بررسی و تحلیل سوالات و فرضیات تحقیق
۲۰۵	پیشنهادات
۲۰۵	مسائل و پیشنهاد های کلان
۲۰۷	پیشنهادات خرد در خصوص نهادهای درگیر با مسئله بزهکاری
۲۰۷	سازمان پلیس
۲۱۰	مراحل قضائی
۲۱۱	مراحل پیشگیری از بزهکاری
۲۱۵	فهرست منابع

چکیده:

پژوهش حاضر به کنکاش در خصوص شناخت برخی روابط موجود میان پدیده ی تکنولوژی و بز هکاری پرداخته است که به شکل اختصار می توان آن را چنین بیان کرد که با نگاه به گستردگی تأثیرگذاری صنعت و تکنولوژی در زندگی انسان امروزی و تحولات مستمری که در شکل زندگی مردم جوامع به وجود می آورد. در پدید آمدن برخی نابهنجاری ها و معضلات اجتماعی نیز نقش ایفا می کند.

با دیدی ژرف نگرانه به پدیده پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیک ، نمی توان آنها را مجموعه ای فاقد گرایش ذاتی دانست و تنها به عنوان ابزار به آنها نگریم؛ زیرا هر اختراع و دستاوردی ، ناشی از تفکر و ایده ای است که خود متأثر از نوعی جهان بینی می باشد که در تولید و کاربرد آن وسیله نیز خود را نمایان خواهد ساخت. انسان امروزی که خود را در محاصره خیل انبوهی از ماشین های گوناگون می بیند در اثر فشارهای وارده از زندگی پرتنش امروزی ، بعضاً واکنش های منفعلانه و گاهی نیز عصیان گرانه در جهت تخریب و آسیب به هم نوعان و ساخت های جامعه ای که در آن زندگی می کند را از خود بروز می دهد. و دسته ای دیگر نیز که در همه ادوار تاریخی در جوامع به فعالیت های بز هکارانه در جهت امرار معاش خود مشغول هستند؛ از مواهب تکنولوژی امروزی در جهت پیشبرد اهداف سوء خود استفاده می نمایند. که در مواردی نیز خسارت های قابل توجهی را برای جامعه و شهروندان به بار می آورند.

اما صنعت و تکنولوژی دارای جوانب مثبت و سازنده ی فراوانی نیز هستند که در صورت بهره برداری صحیح و متعادل از آنها ، قطعاً نقش مهمی در بهبود سطح زندگی افراد جامعه خواهند داشت و همچنین با برنامه ریزی و بکارگیری صحیح تجهیزات تکنولوژیک در مقابله با جریان بز هکاری می توان نتایج کاهنده و بازدارنده ی آن را به خوبی برای شهروندان جامعه قابل لمس نمود. در بخش سوم این تحقیق به جمع آوری و اشاره به برخی از این تکنولوژی ها و برنامه ها پرداخته ایم و در قسمت پایانی به پیشنهاداتی خرد و کلان در جهت بهبود وضعیت حاضر در جوامع و استفاده بهتر از تجهیزات تکنولوژیک در مواجهه با پدیده بز هکاری اشاره شده است.

واژگان کلیدی: صنعت ، تکنولوژی ، بز هکاری ، انسان ، جامعه

مقدمه

بیان مسئله تحقیق :

بشریت در طول زندگی خود بر این سیاره ادوار مختلفی را پشت سر نهاده است و همواره رو به سوی ترقی و صعود داشته ، که این روند ریشه در حس کمال گرای این موجود دارد. طبیعت ارزش مدار انسان همواره ثابت بوده ، اما تشخیص مصادیق عینی این ارزش ها در بسیاری از اعصار برای وی مشتبه شده است. با توجه به این که امروزه گرایش غالب در دنیای معاصر در خصوص مقوله ی پیشرفت و تجدد ، اصولی هستند که در نظام های سیاسی و اجتماعی سکولار غربی توصیه و ترویج می شوند و با سرعتی بالا نیز به شکل تفکرات و فرهنگ هایی وارداتی از طرق گوناگون ارتباطی ، به کشورهای در حال توسعه انتقال می یابند. این جریان خود موجب تشکیل یک سیکل پیچیده ی اجتماعی در جوامع در حال توسعه می شود که با تداخل اصول و ارزش های سنتی با معیارها و ارزش های متجدد ، حالت تعارض گونه ای را چه در سطح شخصیت افراد و چه در بافت نهادهای اجتماعی به وجود می آورد که بسیاری از این تعارضات سرانجام به شکل رفتارهای مجرمانه نمایان می گردد. اختلاط روز افزون زندگی مردم با مسئله تکنولوژی و صنعت موجب گردیده که حتی تصور زندگی بدون آلات و ادوات پیشرفته ی صنعتی امروز را برای بسیاری از افراد سخت نموده است. با توجه به واقعیات ملموس و همچنین دقت در لایه های زیرین فرهنگ جوامع ، می توان به این پندار رسید که نوعی عدم یگانگی و بیگانگی میان زندگی صنعت زده ی امروزی و ذات انسان ها وجود دارد.

همچنین صنعت و تکنولوژی امروزی که با گستره ای وسیع ، در تمام جوانب جوامع امروزی خود را نمایان نموده اند. علاوه بر این که سطح زندگی افراد جامعه را تا حدی ارتقاء داده است و رفع نیازهای مردم را در شکلی ساده تر برآورده می سازد؛ اما گاهی این ابزار آلات پیشرفته در جهت مقاصد سوء برخی از افراد به کار می آید که اندیشه ی تجاوز به حقوق دیگر افراد جامعه را در سر می پروراندند. و تکنولوژی در مقام وسیله در این راه بسیار کمک کننده و راهگشا می باشد. و این کاربرد چه در امور خرد و چه در امور کلان بزهکاری دیده می شود که لزوم واکنش و مقابله از

سوی نهادهای حاکمیتی و حفاظتی را می‌طلبد که آنها نیز با استمداد از تکنولوژی روز در جهت مهار سیر منفی اثرگذاری این پدیده بر آیند. باید توجه داشت که در این زمینه نیازمند برنامه ریزی و استفاده ی ابتکاری از تجهیزات تکنولوژیک برای مقابله با اثرات سوء استفاده از تکنولوژی می‌باشیم.

مسئله ی اصلی این تحقیق ، بررسی رابطه ی این ماهیت تکنولوژیکی ، مصادیق آن و آثارش بر انسان و مخصوصاً واکنش او به این پدیده به صورت جرم و بزهکاری می‌باشد.

اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه ی انتخاب آن :

با اندک تفکر و تعمق در موضوع این تحقیق ، می‌توان دریافت که مرکز توجه به مسئله ی بزهکاری و جامعه است که ارتباط متقابل این دو بر کسی پوشیده نیست و همچنین نقش غالب و کنش گرای جامعه در این رابطه ی متقابل ، اهمیت موضوع را نیز روشن می‌کند. زیرا تحقیق و بررسی های موشکافانه در این زمینه می‌تواند محقق را به یافته های بسیار مهم و اساسی در مورد چگونگی تأثیر و تأثر جامعه و جرم با یکدیگر برساند و با استفاده از این رهیافت های مهم ، راهکارهای ریشه ای برای کنترل و کاهش پدیده بزهکاری را به کار گرفت.

امروزه شاهد ورود و تأثیر گذاری عمیق دستاوردهای صنعتی و تکنولوژیک در زندگی شخصی و اجتماعی مردم هستیم که علاوه بر ارائه ی خدمات و تسهیلاتی که فراهم آورده ، موجب شکل گیری و بروز برخی پدیده های نابهنجار نیز گردیده است که لازم می‌باشد تا قبل از رسیدن به مراحل بحرانی در مورد این مسائل تدبیری اندیشیده شود. با توجه به گستردگی کاربرد ابزار آلات و وسایل تکنولوژیک ، می‌توان از آنها در راهکارهای مختلف مقابله با پدیده ی بزهکاری استفاده نموده و با به کار گیری ابتکارات و اندیشه های نو در این مورد ، از این وسایل به شکل بهتر و پر ثمرتری بهره برد.

حتی ممکن است توصیه ها و نتایج پایانی چنین پژوهش هایی ، موجب شکل گیری جریان های فکری جدید در خصوص نگاه به سیر جوامع شود که این گفتمان سازی و طرح مسئله به شکل کلان با کارهای دقیق و مستمر چندین و چند ساله می‌تواند ثمر بخش باشد و در افقی خوش بینانه با ارائه ی پیشنهادهای بزرگ و ساختار شکنانه در مورد برخی نهادهای اجتماعی و ثرم های پذیرفته شده در

جوامع امروزی ، موجب شکل‌گیری تحولات بزرگ شود ، زیرا شجاعت در عرصه ی علمی چنین است که اگر در یک مرحله از کار ، به عدم صحت بینش های پیشین خود واقف شدیم ؛ توانایی رها سازی خود از تعلقات آن را داشته باشیم.

اهداف تحقیق :

این تحقیق که پژوهشی میان رشته ای است و به دنبال یافتن روابط موجود و چگونگی تعامل میان برخی پدیده های اجتماعی (گسترش پیشرفت های صنعتی) است. غایت هدف خود را تلاش برای کشف و تبیین چگونگی تأثیرات آنها بر یکدیگر و میزان دخالت عوامل مختلف در ازدیاد و کاهش پدیده ی مجرمانه است؛ تا با تکیه بر یافته های پژوهشی بهتر بتوان در راه برنامه ریزی و اتخاذ تدابیر متناسب خرد و کلان در جهت مبارزه با نابسامانی های اجتماعی که بزهداری از نمودهای بارز آن به حساب می آید ، پیش رفت.

سئوالات و فرضیات تحقیق (بیان روابط بین متغیرهای مورد مطالعه) :

سؤال اول - آیا پیشرفت صنعتی به عنوان پدیده ای همه گیر و عمومی ، در مقام تأثیرگذاری بر پدیده ی بزهداری می باشد ؟

فرضیه اول : پیشرفت های صنعتی با نفوذ همه جانبه ی خود در زندگی مردم قطعاً موجب بروز تغییرات وسیعی در مناسبات مردم شده و پدیده ی بزهداری به عنوان یکی از مصادیق داخل در این نظام نیز از آن تأثیر پذیرفته است.

سؤال دوم - پیشرفت صنعتی و تکنولوژیک جوامع ، آیا بر افزایش و شیوع بزهداری دخیل بوده است ؟

فرضیه دوم : این تأثیرگذاری بر پدیده ی بزهداری در جهت افزایش بزهداری از جهت کمی ، و از نظر کیفی نیز باید گفت موجب پیچیده تر شدن جرائم شده است که به تبع نوآوری های تکنولوژیک امروزی ، هر از چندگاهی شاهد ابداع برخی انواع جدید بزهداری هستیم.

سؤال سوم - آیا دستاوردهای نوین انسان امروز قابلیت مبارزه و کنترل پدیده مجرمانه را دارند یا خیر؟

فرضیه سوم: البته نقش تکنولوژی های نوین را در جهت بهبود سطح زندگی مادی و همچنین حفاظت و امنیت از حریم عمومی و بیشتر شدن نقش نظارت را نباید نادیده گرفت. باید دقت داشت که این دستاوردها در مجرای رشد و تربیت انسان قرار گیرند.

سؤال چهارم - انسان به عنوان مهم ترین حلقه در این زنجیره، می تواند در وضعیت خود مؤثر باشد یا این که همواره عنصری منفعل خواهد بود؟

فرضیه چهارم: انسان قابلیت تأثیر را در وجود خود دارد، اما آنچه تاکنون دیده شده است جنبه ی منفعلانه ی برخورد انسان با این پدیده ی (پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیک) بوده است که ناشی از تأثیر بیش از حد او در مواجهه با عوامل بیرونی است.

روش تحقیق و گردآوری اطلاعات:

روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد. گردآوری اطلاعات از کتب، مقالات و سایت های اینترنتی حاصل شده است.

سازماندهی تحقیق:

تحقیق حاضر از سه بخش تشکیل شده است. که بخش ها و جزئیات آن به شرح زیر هستند:

بخش اول - مبانی نظری تحقیق، که متشکل از دو فصل می باشد. ابتدا به تعریف و توضیح اصطلاحات پرداخته می شود (فصل اول) خود شامل دو مبحث می باشد. که اول در خصوص موضوعات پیشرفت و توسعه بحث شده است (مبحث اول از فصل اول) و در مبحث بعدی نیز به تشریح مسئله ی بزهکاری پرداخته شده است. (مبحث دوم از فصل اول)

سپس به تبیین ارتباط مفاهیم اشاره شده است (فصل دوم) و این قسمت نیز شامل دو مبحث است که نخست به بحثی در مورد وجود شناسی پدیده‌ی پیشرفت داخل شده و آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم (مبحث اول از فصل دوم) و پس از آن به نسبت پدیده‌ی پیشرفت با جامعه پرداخته و آن را نیز از جهاتی مورد مذاقه قرار داده ایم (مبحث دوم از فصل دوم)

بخش دوم - پیشرفت های صنعتی جوامع و آثار آن بر افزایش میزان بزهکاری ، شامل دو فصل است .

ابتدا آن دسته از آثاری که به طور **مستقیم** در افزایش بزهکاری دخیل هستند را مورد بررسی قرار داده (فصل اول) که خود شامل دو مبحث می‌گردد. مبحث اول در مورد تحولات در تجهیزات ارتکاب جرائم می‌باشد. (مبحث اول از فصل اول) و در مبحث بعدی که با عنوان شکل‌گیری گروه‌های جدید بزهکاری در ساخت جوامع مدرن می‌باشد ، گوشه‌هایی از این پدیده را نیز مطرح می‌کنیم. (مبحث دوم از فصل اول)

سپس در فصل بعد به بررسی آثاری که به طور **غیرمستقیم** در افزایش پدیده بزهکاری دخالت دارند (فصل دوم) پرداخته و موضوعات آن را نیز طی دو مبحث که ابتدا به تأثیرات فردی (مبحث اول از فصل دوم) و سپس به تأثیرات اجتماعی (مبحث دوم از فصل دوم) نظر دارند ، بیان می‌کنیم.

بخش سوم - پیشرفت های صنعتی جوامع و آثار آن بر کنترل و کاهش میزان بزهکاری ، که از فصل های ذیل تشکیل یافته است .

ابتدا آن دسته از اثراتی که استفاده از تکنولوژی و صنعت به طور **مستقیم** در کنترل و کاهش بزهکاری دارند ، مورد بررسی قرار می‌گیرد (فصل اول) خود شامل دو مبحث می‌شود. مبحث اول در خصوص تحول در کار سازمان های مجری عدالت کیفری می‌باشد. (مبحث اول از فصل اول) و در مبحث بعدی که با عنوان به کارگیری پیشرفت های علمی و تکنولوژیک در مواجهه با جرائم می‌باشد ، در حد وسع به جمع آوری اطلاعات در این مورد پرداخته شده است. (مبحث دوم از فصل اول)

اما در فصل بعد به بررسی آثاری که به طور غیرمستقیم در کنترل و کاهش پدیده بزهکاری دخالت دارند (فصل دوم) پرداخته شده و موضوعات آن را نیز طی دو مبحث که ابتدا تحت عنوان ارتقاء سطح زندگی و خنثی شدن نسبی محرک های بزهکاری (مبحث اول از فصل دوم) می باشد و همچنین در مبحث بعدی با عنوان تسهیل در زمینه های اجرائی تدابیر پیشگیرانه (مبحث دوم از فصل دوم) به شرح و بیان مطالب پرداخته ایم.

بخش اول - مبانی نظری تحقیق

فصل اول - تعریف و توضیح اصطلاحات

مبحث اول - اصطلاحات مربوط به پیشرفت و توسعه

گفتار اول - پیشرفت و توسعه

در هر زبان و فرهنگی برای انتقال معانی و مفاهیم مختلف از واژه های مختلفی استفاده می گردد که برای تفاهم میان متکلمین و مخاطبین آن زبان ، وجود توافق در خصوص معنی واژه ی مورد بحث الزامی است. زیرا در صورت عدم وجود چنین هماهنگی ذهنی بین طرفین ، همانا انجام بحث و حتی هر رابطه ای که ابزار آن زبان (به مفهوم مجموعه ای برای انتقال مفاهیم) باشد ؛ بدون در نظر گرفتن این مرحله ، کاری بیهوده و فاقد نتیجه خواهد بود.

ابتدا به واژه ی پیشرفت می پردازیم. این واژه متشکل از دو واژه ی مستقل دیگر (پیش + رفت) می باشد که با ترکیب شدن این دو به کلمه ای مرکب مبدل گردیده است که اسم مصدری به معنی پیش روی ، جلو رفتن ، ترقی و ...^۱ و ^۲

البته چالش و نکته ای که در این کلمه وجود دارد این است که پیش رفتن لزوماً نیاز به عرصه و راهی برای رفتن دارد که باید از قبل به طور روشن معین شده باشد لذا پیشرفت همواره با سؤالی مواجه می گردد که منظور پیش رفتن در کدام جهت و کدام راه است و این موضوعی است که همواره موافقان و مخالفان بسیاری را در نظریات مختلف به سوی خود فرا می خواند. پیش رفتن و پس رفتن دو اصطلاحی هستند که همیشه ناظر به مقصد و هدفی خاص باید تفسیر شوند و بدون تعیین آن مقصد و هدف ، صحبت از پیشرفت موجب بروز سوء برداشت های متفاوت خواهد شد و با دقیق تر شدن در موضوع در می یابیم که انتخاب موقعیت و وضعیت خاصی به منظور مقصد و هدف به عنوان غایت مطلوب ، ما را درگیر مباحث دیگری چون فرجام شناسی (Teleology) ، افکار شناسی (Ideology) ، هستی شناسی (Ontology) می کند. و هر نظام و تمدنی در ابتدای حرکت و عزیمت بلند مدت خود ، ناگزیر به انتخاب موضع و دیدگاه خود در خصوص این مباحث اساسی است. یعنی ابتدا دیدگاه خود را به عنوان یک موجود مدرک نسبت به پدیده هستی و آفرینش

۱- عمید ، حسن (۱۳۶۳) فرهنگ فارسی عمید ، انتشارات امیرکبیر ، ذیل واژه «پیشرفت» ، ص ۳۲۶
۲- معین ، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی ، انتشارات امیر کبیر ، ذیل واژه «پیشرفت کردن» ، ص ۹۲۵

مشخص کند و بر اساس همین شناخت از هستی ایده و افکاری در ذهن شکل می گیرد که با هر «هستی» که ناظر به واقعیت باشد، یک یا چند «باید» نیز شکل می گیرد که تبیین کننده ی سیر و روند حرکت هر فرد یا نظام خواهد بود و بر همین اساس مقصد و غایت نیز به عنوان مطلوب نهایی در نظر گرفته خواهد شد.

پدیده ی پیشرفت و توسعه رابطه ی تنگاتنگی با علم و دانش و چگونگی روند آن دارد و می توان گسترش و رشد علوم را یکی از علل پیشرفت و توسعه ی جوامع دانست. در رابطه با تغییرات فراوان و اساسی بشریت در چند قرن اخیر و بررسی پاره ای از دلایل آن می توان به این نتیجه رسید که ابتدافکر و اندیشه ی بشر دچار دگرگونی شد و سپس آثار خود را بر دنیای خارجی با تغییر و تحولات مختلف نشان داد. از اندیشمندانی که در روشن نمودن این زاویه ی فکری در عصر خود تأثیر مهم داشتند می توان از **فرانسیس بیکن**^۱، **رنه دکارت**^۲ نام برد که با ارائه ی نظریات انتقادی خود نسبت به وضعیت زمانه ای که در آن می زیسته اند زمینه های تحول را در آینده پایه گذاری کردند. به طور مثال بیکن در خصوص جریان علم و دانش در عصر خود می گوید: «کسانی که تاکنون به علم و حکمت پرداخته اند یا حظ نفس خود را در نظر داشته اند یا کسب مال یا طلب شهرت و اعتبار و برتری بر دیگران در مباحثه و مناظره یعنی غرض شخصی در کار بوده است و حال آن که مقصود اصلی از علم باید قدرت یافتن بر عمل باشد برای سود رسانیدن به نوع بشر و اینکه گفته اند منظور از دانشجویی رسیدن به معرفت حقیقت است سخنی تمام نیست؛ چه علمی که از آن استفاده ی عملی نشود حاصل ندارد و منظور نخستین از علم باید تحصیل قدرت باشد یعنی انسان به مشاهده و تجربه و مطالعه در امور طبیعت از قوانین آن امور آگاه می شود و چون آن قوانین را به دست آورد از آنها پیروی نموده و بر طبیعت چیره می شود. قوانین طبیعت را به مقتضای نیازمندی خویش استخدام می کند و آن را تابع اراده خود می سازد، به اختراعات نایل می شود و زندگانی خویش را بهبودی می بخشد.»^۳

با رواج گرفتن جریان های جدید فکری متأثر از افکار اندیشمندان و هنرمندان پیشرو در اروپای قرون میانه و شدت گرفتن واکنش های خشن نهاد کلیسا نسبت به این افکار رفته اروپا پای در دوره

^۱-Francis Bacon (1561 – 1626)

^۲-Rene Descartes (1596 – 1650)

^۳- فروغی، محمد علی (۱۳۷۹)، سیر حکمت در اروپا، انتشارات صفی علیشاه، جلد اول، ص ۱۳۸

و عصر جدیدی می‌نهاد. «شرایط پیچیده و دیکتاتوری مذهبی – سیاسی کلیسا و حاکمیت قشر مرفه که از سفره مسیحیت محرف ارتزاق می‌کرد و فشار روز افزون به عموم مردم، خصوصاً نخبگان جامعه که در پس صلیب و ناقوس، حاکمیت بلا منازع تحجر و اشرافی‌گری را مشاهده می‌کردند؛ باعث شد رفته رفته بذر مخالفت عملی در زمین جامعه آن روز کاشته شود و با دست برخی از هنرمندان از مهد امپراطوری کلیسا (یعنی رم) آبیاری گردد. به دیگر بیان، جرقه‌ی این آتش، نه در محافل سیاسی و به دست سیاستمداران حراف، بلکه در محافل هنری و به دست نقاشان، معماران و پیکر تراشان آن ایام زده شد و در قالب یک اثر نقاشی، یک ساختمان بدیع و یا یک تندیس نوین تبلور یافت. در واقع مخالفت عملی نخبگان نسبت به وضع حاکم با نوعی دهن کجی هنری به ارزش‌های غلط و رایج آن ایام شروع شده بود»^۱ سرانجام سیر جدید به پیروزی اجتماعی دست یافت و کلیسا و جریان مذهبی را به حاشیه راند و اروپا اندک اندک دستخوش تغییر و تحولات بنیادین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گردید که به این برهه از تاریخ، دوران رنسانس گفته می‌شود.

تغییر و تحول یک فرد محتاج اراده و عزم خودش می‌باشد اما در مقیاس جمعی، تغییر وابسته به عوامل بسیاری است که یکی از مهم‌ترین آنها مسئله فرهنگ آن جامعه می‌باشد. فرهنگ در نظر رونالد اینگلهارت (جامعه‌شناس امریکایی): «نظامی است از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی که به طرز گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود. در حالی که طبیعت انسانی از لحاظ زیست‌شناختی فطری و عمومی است؛ فرهنگ فرا گرفته می‌شود و ممکن است از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر تغییر کند.»^۲ فرهنگ به عنوان بستری مبنایی در زندگی اجتماعی، همانند عوامل اقتصادی و سیاسی در تغییر و تحولات جوامع دخیل است. و تغییراتی که در دوره‌ی رنسانس در جامعه اروپایی رخ داد شامل فرهنگ نیز می‌شود که هم به عنوان عامل تغییر دهنده و هم تغییر کننده در جامعه وجود دارد. اروپا با گذار از دوره‌ای که حاکمیت باورهای کلیسایی به عنوان محور جمود جامعه‌ی مسیحی به حساب می‌آمد به عصری ورود کرد که انسان را در آن اصل قرار دادند و از آن به **اومانیزم**^۳ یاد می‌شود. دیگر خواست و اراده‌ی انسانی محور

^۱- رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۳)، تحلیل ماهیت تکنولوژی، انتشارات مجنون، ص ۷۴

^۲- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه وتر، مریم، انتشارات کویر، ص ۱۹

^۳- Humanism

قرار گرفت که در زمینه‌ی شخصی به فردگرایی^۱ و در زمینه‌ی جمعی به حاکمیت مردم^۲ در امور عمومی منجر گردید. البته در مورد این رخدادها منتقدان بسیاری به ارائه نظرات خود پرداخته‌اند. «اومانیزم نخستین صورت چیزی است که بعدها به سکولاریسم معاصر تبدیل شد؛ و تمدن جدید، به سبب اشتیاقش برای تقلیل دادن همه چیز به این معیار که انسان خود غایت فی نفسه است، مرحله به مرحله تنزل یافته و به سطح پست‌ترین عناصر در انسان رسیده است و هدفش تنها ارضای نیازهایی است که در وجه مادی طبیعتش قرار دارد، هدفی که در هر حال کاملاً موهوم است، زیرا نیازهای مصنوعی‌ای که دائماً ایجاد می‌کند بیشتر از آن است که بتواند ارضاء کند»^۳ رویدادهای سلسله وار در تاریخ بشر دارای ابعاد مختلفی می‌باشند و تعدادی از آنها، آثار دامنه‌داری در شکل و شیوه‌ی زندگی انسان‌ها می‌گذارند. این دسته از رخدادهایی که در برهه‌ی تاریخی رنسانس ظهور کردند دارای اثراتی بوده‌اند که تا به امروز نیز باقی هستند؛ مانند تغییرات در شیوه‌ی زندگی فردی و اجتماعی افراد جوامع، تحولات اقتصادی و تغییرات در نظام‌های سیاسی و ...

با توجه به عنوان این گفتار در اینجا به برخی تعاریف و نظریاتی که در مورد توسعه داده شده است اشاره می‌شود. بیشتر اندیشمندانی که در مورد این پدیده به ارائه نظر پرداخته‌اند توسعه را مفهومی عام و دارای ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، صنعتی دانسته‌اند و آن را برنامه‌ای بلند مدت و اجرایی می‌دانند که به بهبودی وضع جامعه منجر می‌گردد.

«توسعه خود به خود اتفاق نمی‌افتد و نمی‌توان آن را روندی جبری در سیر تاریخ دانست، اما برای آن ارکانی وجود دارد که با ارتباط و استفاده‌ی صحیح آنها توسعه امکان پذیر می‌گردد. مهم‌ترین رکن توسعه، ملت‌ها و خواست آنها نسبت به این پدیده است. اما شاید علت عدم توسعه یافتگی یکسان همه ملت‌های جهان را باید در میزان رشد فکری و فرهنگی آنها جستجو کرد. و امکاناتی چون منابع طبیعی، سرمایه، تکنولوژی و غیره را ابزار توسعه و تسریع‌کننده‌ی آن دانست. پس در واقع پیشنهاد اولیه برای توسعه، وجود بینش و تفکر مورد نیاز آن در میان مردم است که به صورت ساختارها و بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و ارزش‌حاکم در جامعه متجلی می‌شود.

^۱-Individualism

^۲-Democracy

^۳- گنون، رنه (۱۳۸۷)، بحران دنیای متجدد، ترجمه عزیزی، حسن، انتشارات حکمت، ص ۳۳

توسعه دارای ابعاد مختلفی نیز می باشد که هر یک به نوبه ی خود دارای اهمیت فراوانی هستند. مانند توسعه اجتماعی ، توسعه فرهنگی ، توسعه سیاسی ، توسعه اقتصادی ، توسعه صنعتی»^۱

«توسعه به فراگردی گفته می شود که در آن جامعه به وضع مطلوبی متحول می شود. این فراگرد تمامی نهادهای جامعه را در بر می گیرد و ماهیت آن اساساً آن است که توان و ظرفیت بالقوه جامعه به صورت بالفعل در می آید. به عبارت دیگر در فرآیند توسعه : استعداد های سازماندهی جامعه از هر جهت بارور و شکوفا می شود چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی»^۲

«توسعه به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی تر است ... برای درک معانی درونی توسعه باید حداقل سه ارزش اصلی به عنوان پایه فکری و رهنمود عملی در نظر گرفته شود. این ارزش های اصلی عبارتند از : معاش زندگی ، اعتماد به نفس و آزادی که نمایانگر هدف های مشترکی است که به وسیله تمام افراد و جوامع دنبال می شود.»^۳

«توسعه ، جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد ، شامل دگرگونی اساسی در ساخت های نهادی ، اجتماعی ، اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی مردم است ، توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد.»^۴

اگر چه تعاریفات ارائه شده در مورد مفهوم پیشرفت و توسعه ، همه ناظر به بهتر شدن وضع اجتماعی است اما با توجه نمود که توسعه در مبنایی که تمدن غرب آن را به ارمغان آورده ، دارای انگاره هایی خارج از جهان بینی دینی بوده است که غایت و ثمره ی زندگی انسان را در سطح مادی زندگی دنیوی می بیند و از آنجایی که نظر پایه ی عمل قرار می گیرد و تمدنی که امروزه بر پایه ی افکار و ایده های دو قرن پیش شکل گرفته ، با در نظر داشتن موفقیت های بسیاری که در عرصه های مختلف به دست آورده است؛ اما دارای نارسایی ها و نقایص بزرگی نیز می باشد که طی یک

۱- حاج فتحعلی ها ، عباس (۱۳۷۲) توسعه تکنولوژی ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی ، ص ۱۱

۲- اسدی ، علی (۱۳۶۹) توسعه بر جاده ی تکنولوژی می تازد ، نشریه تدبیر ، مرداد ۱۳۶۹ ، ص ۲۷

۳- تودارو ، مایکل (۱۳۶۳) توسعه اقتصادی در جهان سوم ، ترجمه فرجادی ، غلامعلی ، سازمان برنامه و بودجه ، ص ۱۳۶

۴- آوینی ، سید مرتضی (۱۳۶۷) توسعه و مبانی تمدن غرب ، نشر ساقی ، ص ۴۹

قرن اخیر گریبان جامعه‌ی مدرن را گرفته است مانند بحران جنگ ، بحران جمعیت ، بحران انرژی ، بحران محیط زیست و ...
تمدنی که با گسستن از باورهای الهی به شکل گیری و گسترش خود پرداخت ، امروز به جایی رسیده است که بسیاری را متقاعد کرده که شاید باید در سیر روند جهانی نیز تجدید نظر و تغییر مسیر داد !

گفتار دوم - پیشرفت و توسعه ی صنعتی

در طول تاریخ بشری همواره انسان با داشتن گرایش فطری به سمت تلاش برای دست یابی به زندگی بهتر و راحت تر ، دست به نوآوری های درخور زده است ، عده ای معتقدند که تکنیک و فن به لحاظ تاریخی دارای قدمت بیشتری نسبت به دانش و علوم است؛ زیرا فنون برای رفع خطرات و ارضای نیازهای اولیه انسان (خوراک ، پوشاک ، مسکن) به کار می آمده است اما دانش در مرحله بعدی و مربوط به نیازهای دسته ی بعد انسانی قرار دارد. این خود نشانه ای پر معناست که ادوار مختلف تاریخ بشریت ، دارای نام های مربوط به «تکنیک» معمول در هر دوران است؛ دوران سنگ ، دوران آهن ، دوران ماشین بخار ، دوران الکتریسیته و دوران اتم. که بیان گر تأثیر گسترده و همه جانبه ی صنعت و تکنولوژی در جوانب مختلف زندگی انسان ها اعم از فردی و اجتماعی است.

با رخ دادن اتفاقات تاریخی در قرون شانزده و هفده میلادی در مغرب زمین و پوست اندازی سراسری اروپا از پنداشت های دینی و مذهبی که کلیسا به عنوان نهاد متولی دینی به تبلیغ و محافظت از آنها همت داشت ، برگ جدیدی از کتاب تمدن بشری در آن نقطه از کره ی خاکی گشوده شد که کمی پس از حاکم شدن تفکرات و روحیات نقادانه در عصر روشنگری برای کنار زدن سیطره ی نهاد کلیسا از امور ، فضا برای اندیشیدن و عمل کردن باز گردید و افرادی که در گذشته با تحقیق و تعمق در نظام آفرینش دریافت های خود را به علت هراس از مغایرت با انگاره های خشک و بی انعطاف مذهبی و برخوردهای سرسختانه ی کلیسا با دگر اندیشان پنهان می نمودند. رایحه ی خوش آزادی را در هوای جامعه استشمام کردند و به ابراز نظرات جدید و ایده هایی نو برای تغییر و تحول در دنیایی که در آن زندگی می کردند پرداختند.

اگرچه شواهد تاریخی مؤید این مطلب است که آن زمانی که اروپا شروع به پیشرفت های صنعتی عظیم در عرصه های مختلف کرد ، در نقاط در زمین نیز ملت ها و تمدن هایی بودند که دارای ابزارهایی پیشرفته و کارآمد (نسبت به زمان خود) بودند. به طور مثال در سرزمین هندوستان وسیله ای به عنوان ماشین بخار وجود داشته است و یا در چین صنعت چاپ بسیار پیش از آن زمانی که گوتنبرگ در اروپا ماشین چاپ را اختراع کند ، وجود داشت اما سؤالی که ذهن ها را به خود مشغول می نماید این است که چرا تمدن هایی که حتی پیش از اروپا به آلات و ادوات صنعتی دست

پیدا کرده بودند در راهی که به توسعه ی صنعتی موسوم است. پیش نرفتند با وجود این که از وسایل و امکانات عینی آن زودتر و بهتر از اروپا بهره مند بودند. شاید تحلیل مناسب از چرایی این گونه رقم خوردن این برهه ی تاریخی در مورد شکل گیری و عدم شکل گیری پیشرفت و توسعه ی صنعتی در اروپا و نه دیگر نقاط کره ی زمین این باشد که : اروپا با گذاری شجاعانه از مرحله ای تاریخی به مرحله ای جدید ، ابتداً خود را از نظر درونی برای شکوفا کردن چیزی که از آن به عنوان پیشرفت صنعت یاد می شود آماده نمود و سر این موضوع در این نکته است که آن چیزی که مقدمه ی پیدایش نمودهای عینی صنعتی اعم از اختراعات و ساختارهای نوین بود ، ابتدا در ذهن وجود پیدا کرد و سپس به عالم خارج راه خود را گشود. همان طور که عده ای از تحلیل گران نام این موتور درونی محرک را برای تمدن سازی جدید «فرهنگ» نام گذاری می کنند که اگر در ملتی فرهنگی خاص برای نیل به راهی خاص ظاهر شد ، آن ملت راه را با تمام موانع و ناهمواری ها طی خواهد نمود و همچنین اگر فرهنگ پیشرفت به عنوان زیربنای امر عینی پیشرفت ، به عنوان بستری آماده نباشد ، حداکثر موفقیتی که از تلاش های هرچند مداوم به دست می آید ، توسعه ای ناقص و بدون دوام خواهد بود. لوئیس مامفورد¹ یکی از تحلیل گران اجتماعی در خصوص این مسئله می گوید : «زمینه اجتماعی ویژه ای در اروپای قرون جدید ، متناسب با ماشین به وجود آمده بود ، وگرنه ماشین چند قرن قبل از آن هم در اروپا وجود داشت و نیز سایر تمدن ها از آن برخوردار بودند ، ولی انقلاب صنعتی فقط در اروپای این دوره اتفاق افتاد و نه قبل از این دوره یا در تمدن های دیگر. به نظر مامفورد یک نوع انطباق و هماهنگی بین ارزش های اروپایی و ویژگی های ماشین و تکنولوژی وجود داشت. یکی از پارامترهای ذی مدخل در این قضیه علاقه به نظم بود. ولی باز این علاقه منحصر به جامعه اروپای غربی نبود. فرهنگ های دیگری هم بودند که طالب نظم بودند ، اما هم اروپای غربی قبل از انقلاب صنعتی و هم فرهنگ های غیر اروپایی این نظم را به طریقی درونی جستجو می کردند و در آن مسیر افراد بودند که ماشین و تکنولوژی را کنترل می کردند ، ولی این دفعه نظم به طور بیرونی جستجو شد؛ ماشین و ماشین گونه نظم خواسته شد. نظم

¹-Lewis Mumford (1895 – 1990)